

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل دهم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل دهم

نشانه های پایانی

من زمانی که با اتوموبیل خود از شهر اسپارتان آمریکا به منزل باز می گردهم، با خورسندی به علامت بنزین فروشی سیتکو می نگریم، چون می دانم خروجی بعدی از بزرگ راه مرا به منزل خواهد رساند. البته خورسندی من از خود علامت نیست، بلکه نشانه ای است که برای من ایجاد کرده. می دانم که این علامت، نزدیک شدن پایان راه را می رساند.

عیسی مسیح نیز صحبت از علامات کرد. او می گوید نسل شرارت پیشه و زناکار علامتی جز آنچه خدا به آنها می دهد را خواهان است (متی ۱۶: ۴). و صحبت از شناخت علائم هوا کرد گفت، نتوانستند علائم جدید زمانه را بشناسند. همچنین گفت که محاصره اورشلیم توسط قشون رومیان علامتی از ویرانی شهر و معبد آن است. این علامات نشانه ای از آنچه قرار است بوقوع پیوندد می باشند. مانند شکوفه دادن درخت انجیر است که عیسی مسیح اشاره به آن کرد، که فرا رسیدن بهار را اعلام می کند.

علاماتی نیز هست که فرا رسیدن پایان مشاوره را اعلام می کنند. وقتی با این علائم روبرو می شوم، می دانم که خاتمه جلسات نزدیک است. حال ببینیم این علائم کدامند. علائم را می توان به چهار قسمت زیر تقسیم کرد:

۱. زمانی که متقاضی مسئله عمده خود را حل کرده،
۲. زمانی که آیات عمده ای که استفاده شده را درک کرده،
۳. زمانی که عادات گناه آلود را با رفتار های عمده کتاب مقدس تعویض کرده، و
۴. زمانی که توانسته اصول عمده ای که آموخته را بکار ببرد.

وقتی این چهار مورد را گذراندید، زمانی است که به پایان جلسات رسیده است. حال هر یک را مورد نظر قرار خواهیم داد. اما قبل از آن، توجه شما را به کلمه ”عمده“ به کار برده جلب کنم. منظور این است که نمی توان انتظار کاملی از هر یک از قسمت ها داشت. کلام خدا می فرماید که در این زندگی امکان کامل شدن وجود ندارد. متقاضی می تواند جهش بزرگی را بدست آورد، اما کماکان نیاز های دیگری را پس از مشاوره خواهد داشت. یکی از نکاتی که باید به متقاضی گفت، این است که مشاوره تنها کمک کرده تا بتواند در آینده قدم های بیشتری را بردارد. مشاوره تنها بن بست یا گره ای که در کار بوده را از میان برداشته. زندگی کماکان ادامه دارد، و آنچه از طریق مشاوره بدست آمده را باید در زندگی آینده بکار برد.

۱. اولین علامتی که نشانه پایان را می دهد حل مسئله عمده متقاضی است. مسئله (یا مسائلی) که نیاز مشاوره را ایجاد کرد، همراه مسائل جانبی که متقاضی خود متوجه آن ها شد حل شده اند. اگر متقاضی بعنوان مثال، توانسته بر افسردگی خود غلبه کند، و همچنین از مسئله جانبی خود محوری نیز در آید، نشانه خوبی از حل مسئله می باشد.

۲. علامت دوم، شناختی است که متقاضی از آیات استفاده شده دارد. البته این شناخت بستگی به کیفیت آموزشی دارد که مشاور از این آیات داده (۱). وقتی متقاضی بداند چگونه از کلام استفاده شد تا آنچه از خدا بود جای شیطان را بگیرد (و نه عقاید مشاور)، آنوقت متقاضی راه استفاده از کلام را آغاز کرده است. این یکی از اهداف اصلی مشاوره است. مشاور می خواهد

متقاضی بداند و بتواند به زبان خود (البته مطابق با کلام خدا) آنچه خدا برایش کار کرده را تعریف کند، به چه دلیل و چه شکل انجام رسانده. متقاضی باید برداشت جامع و کاملی از آنچه خدا کرده را داشته باشد.

۳. علامت سوم، پیوستن آنچه متقاضی در مشاوره بدست آورده، با زندگی روزمره است. این کار یا با استفاده آن در حل مسائل آینده، یا عادت به انجام آن، صورت می گیرد. البته منظور این نیست که جلسات باید تا زمانی که عادت نشده ادامه یابند. پیگیری شش هفتگی بمنظور رسیدگی به چنین مسائلی نیز بنا شده است. عادت را می توان با نظارت هفتگانه پیگیری کرد، ولی نهایتاً لازم است متقاضی را به حال خود گذاشت و پس از شش هفته، چگونگی استفاده (در صورتی که استفاده شده) را سنجید.

۴. علامت آخر، استفاده دوباره از اصولی است که در مشاوره آموخته است. به عبارت دیگر، متقاضی توانسته خود اصولی که در مشاوره آموخته را به درستی به مسائل دیگر ربط بدهد، از کلام خدا استفاده کرده و راه انجام آن را خود ترتیب دهد، و برداشت صحیحی را نیز از پایان کارش به دست آورد. برداشتی که مشاور از این کار بدست می آورد اهمیت فوع العاده ای دارد، و اکثراً نیاز به شنیدن برداشت های متقاضیان خواهید داشت. بعنوان مثال، اگر موضوع مشاوره، جواب دادن نرم به شخص خشمگین بوده (۲)، و متقاضی در مقابل اعضای خانواده و محل کارش از آن استفاده کرده، لازم است برداشت دیگران را نیز شنید تا بتوان از کیفیت کار خبر دار شد. اگر بشنوید که دیگران روش تازه او را دیده و این کار کمک به ایجاد صلح و آرامش کرده، آنوقت می توانید اطمینان داشته باشید که نیازی به ادامه جلسات نیست و پایان قطعی در شرف انجام است. کیفیت کار را باید از صحنه نیز برداشت کرد.

البته در موارد بخصوص، ممکن است علامات دیگری نیز لازم باشد تا پایان کار ملاحظه گردد. اما عموماً، زمانی که شاهد این چهار نکته شدید، می توانید مطمئن باشید که پایان کار نزدیک است. این چهار نکته را در مد نظر هر یک از موارد مشاوره خود قرار دهید. تا زمانی که هر یک از نکات را ندیده اید، به جلسات پایان ندهید. ببینید چرا نکته ای انجام نمی گیرد. شاید اشکال با متقاضی است که سهل انگاری می کند و کار را انجام نمی رساند، یا اشکال با شما است که تکالیف صحیحی نداده اید. دوره مشاوره مسیحی را من عموماً به این شکل تقسیم کرده ام، که در شش هفته اول از جلسات می توانید انتظار نکات اول و دوم را داشته باشید. دو هفته بعد، نشانه های اولیه نکته سوم را مشاهده خواهید کرد (حدوداً هفته هشتم)، و هفته بعد از آن نیز، می توانید انتظار تعریف لفظی نکته چهارم را داشته باشید. بگذارید استفاده از آنچه بدست آمده را در جلسه پیگیری شش هفته مورد سنجش قرار دهید.

فهرست زیر نویس های فصل دهم

(۱) به لوقا ۲۴: ۲۷ و ۳۲ رجوع کنید.

(۲) به امثال ۱۵: ۱ رجوع کنید.